

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن - المان

گره مقناطیسی

(ابوی) گفت! که این (گره مقناطیسی)

درد هر فصل و ماهیچه، مُداوا دارد
شانه و پشت و کمر، زانو و آرنج ترا
هرچه درد است، شفا، معجزه آسا دارد
سالها بود که این آتش فصل دردی
سوخت از فرق سرم، تا به کف پا دارد
حال از فصل خداوند که (تکنالوژی)
به چنین مشکل ما سخت، چلیپا دارد
(چل و نه دالر ناچیز) اگر پردازی
دومی را به شما، مفتکی اهدا دارد
به تن زار و علیل و دل افسرده تو
روح قدسی عطا، چون دم عیسا دارد
گفتمش، لطف نما و یکی فرمایش ده
تا دهم مژده، چسان محشری برپا دارد
بعد، (آقای حسن) منّتی بر من بگذاشت
(گریدت کارت) جنابش، یدر بیضا دارد
گفت، این هدیه ناچیز مرا، دار قبول
دوستی من و تو، ارزشی والا دارد

بعد (نه هفته و نیم) کَرَّةٔ مقناطیسی
پُشتِ دَر آمده و ، حلِ معما دارد
آنچه را می‌گه به ما (مریمِ فَرْخ) به خدا
دارو و مرهم و درمانِ مسیحا دارد
گفته هایش همه چون آبِ حیات است، پذیر
فصلِ پیری به شما ، قوت بُرنا دارد
استفاده ز چنین (کَرَّةٔ مقناطیسی)
« نعمت » از هموطنان ، نیز تمنا دارد

(29 اپریل 2009)